

نقش پیشگیرانه مدیریت انتظامی در جلوگیری از وقوع رفتارهای تخریبی تماشاگران فوتبال

تاریخ دریافت: ۸۸/۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۸۹/۴/۱۵

سرهنگ ستاد ابراهیم جان بزرگی،^۱ دکتر محمدحسین الیاسی^۲

و دکتر شهامت حسینیان^۳

چکیده

زمینه و هدف: سال‌هاست که تماشاگران فوتبال استادیوم‌های ورزشی را به صحنه کارزار علیه یکدیگر تبدیل می‌نمایند؛ آنان با دست‌زدن به کنش‌های جمعی تخریبی نه تنها آسیب‌های زیادی به اموال عمومی وارد می‌سازند بلکه امنیت عمومی، اقتدار پلیس و نیروهای امنیتی را با چالش روبه‌رو می‌نمایند؛ این تحقیق در پی آن است تا با کاوش روشمند در آراء و نظر مدیران ناجا به راهکارهایی برای از میان راندن این‌گونه کنش‌ها دست یابد.

روش: در این پژوهش با استفاده از روش پیمایش مقطعی از میان مدیران و فرماندهان ناجا، نمونه‌ای به حجم ۱۲۶ نفر انتخاب گردید. آنگاه نظر آنان با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته دارای پایایی بسنده ($\alpha = 0.78$)، سنجش شد و داده‌های حاصل با استفاده از آزمون دوجمله‌ای تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: با بهره‌گیری از کنترل نامحسوس، حضور فیزیکی محسوس پلیس، عوامل، اقناع و عملیات روانی می‌توان میزان وقوع کنش‌های تخریبی تماشاگران فوتبال را تقلیل داد. از میان عوامل پنج‌گانه مذکور سهم عملیات روانی و کنترل نامحسوس در جلوگیری از وقوع کنش‌های تخریبی بیش از سایر عوامل است.

نتیجه‌گیری: از هر پنج شیوه مرسوم مدیریت رفتارهای جمعی (عملیات روانی، کنترل نامحسوس، روش‌های اقناع و مجاب‌سازی، عوامل و پلیس پُرشمار محسوس) می‌توان برای جلوگیری از وقوع کنش‌های جمعی آشوبگرانه تماشاگران فوتبال استفاده کرد.

کلیدواژه:

رفتارهای تخریبی Distractive behaviors، تماشاگران فوتبال Football spectators، پیشگیری از اوباشگری فوتبال Prevention of football hooliganism، پیشگیری از جرم Crime prevention، کنترل نامحسوس Sensible control، عملیات روانی Psychological operations، خشونت جمعی Collective violence.

□ **استناد:** جان بزرگی، ابراهیم؛ الیاسی، محمدحسین؛ حسینیان، شهامت (۱۳۸۹)، تابستان). نقش پیشگیرانه مدیریت انتظامی در جلوگیری از وقوع رفتارهای تخریبی تماشاگران فوتبال. *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۲۷۱-۲۵۱، (۲)، ۵.

۱. کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی

۲. استادیار دانشگاه امام حسین (ع)

۳. استادیار دانشگاه علوم انتظامی

مقدمه

مدت‌هاست که شکستن شیشه و صندلی اتوبوس‌ها، لامپ‌های ورزشگاه و خیابان‌ها، حمله به اماکن عمومی، خسارت وارد کردن به اتومبیل‌ها و اموال عمومی موجود در محدوده ورزشگاه‌های فوتبال صحنه‌ای شبیه میدان جنگ برای هر ناظری تداعی می‌کند. این گونه رفتارهای خشونت آمیز پس از مسابقات ورزشی در ایران مسبوق به سابقه است؛ فوتبال نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان، از ورزش‌هایی است که در بسیاری مواقع با ناآرامی و خشونت همراه می‌شود، تا آنجا که برخی محققان چنین رخ دادهایی را به سرشت این ورزش جمعی نسبت می‌دهند. البته گروهی نیز بر این باورند که بروز درگیری و خشونت در فوتبال، بازتابی از شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه است؛ اینان اعتقاد دارند فشارها و سرخوردگی‌ها منشأ ابراز خشونت می‌شود و کسانی فضای پرهیاهوی مسابقه ورزشی را میدانی برای ابراز نارضایتی خود می‌یابند. در هر صورت این گونه حوادث ما را با این سؤال‌های اصلی روبه‌رو می‌کند که علت انجام این کنش‌های تخریبی چیست و راه کار پیشگیری از انجام این گونه اقدامات، که منجر به وارد آوردن خسارت‌هایی به بیت‌المال و ایجاد بحران در کشور و سازمان ناجا می‌گردد، چه می‌باشد؟ همچنین سؤال‌های فرعی مانند اینکه: آیا راه پیشگیری، کنترل نامحسوس است یا با افزایش هشدارها و نیروهایی با لباس‌های فرم بهتر می‌توان عمل پیشگیری را انجام داد؟ آیا با استفاده از عملیات روانی و به کارگیری عواملی از تماشاگران می‌توان از وقوع کنش‌های تخریبی خودداری نمود؟

یافتن پاسخی دقیق و نظام‌مند برای این پرسش‌ها مستلزم انجام پژوهش‌های روشمند است؛ تلاش این تحقیق بر آن بوده تا با بهره‌گیری از روش دقیق علمی، ماهیت پدیده «رفتارهای تخریب» حاصل از مشاهده مسابقات فوتبال را نمایان سازد و عوامل مؤثر و مرتبط با آن را باز بشناسد.

مبانی نظری: اهمیت و ضرورت موضوع: با توجه به نقش اساسی نیروی انتظامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مجریان نظم در جامعه (که اساساً معطوف به کنترل و برخورد با رفتارهای نابهنجار است)، امر کنترل خشونت‌های مربوط به تماشاگران فوتبال ایجاب می‌کند که پلیس به‌عنوان نیرویی کنترل‌کننده به دو عامل دست یابد: ۱- آشنایی با ماهیت جماعت تماشاگر؛ ۲- میزان مهارت پلیس در کنترل جماعت و اعمال شیوه‌های پیشگیری کنترلی (عنبری، ۱۳۸۱، ص ۲۰۸).

این تحقیق با توجه به وظایف ذاتی پلیس - پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بی‌نظمی

(بحران) و ایجاد آمادگی سازمانی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۲۰) سعی دارد، به اهداف زیر دست یابد:

۱. پیدا کردن راههایی که حین و پس از پایان مسابقات فوتبال بدون استفاده از قوه قهریه با کمترین هزینه بتوان از ایجاد اختلال در نظم عمومی و خشونت در جامعه، جلوگیری کرد؛

۲. اثربخشترین روشهای مدیریتی کنترل کنشهای تخریبی تماشاگران فوتبال شناسایی و معرفی شوند.

فرضیه‌های تحقیق:

۱. بین بهره‌گیری پلیس از روشهای متقاعدسازی و میزان رفتارهای تخریبی تماشاگران رابطه منفی وجود دارد؛

۲. بین میزان کنترل نامحسوس پلیس و رفتارهای تخریبی تماشاگران رابطه منفی وجود دارد؛

۳. بین افزایش تعداد کارکنان پلیس (کنترل محسوس) در ورزشگاه و رفتارهای تخریبی رابطه منفی وجود دارد؛

۴. بین میزان هشدارهای قبلی پلیس از طریق رسانه‌ها به تماشاچیان با رفتارهای تخریبی رابطه منفی وجود دارد؛

۵. بین میزان به‌کارگیری عواملی از تماشاگران و رفتارهای تخریبی آنان رابطه منفی وجود دارد.

کنشهای تخریبی در ورزش: سلسله رفتارهایی هستند که توسط عده‌ای از تماشاگران مسابقات فوتبال پس از پایان بازی در قسمت خارجی محدوده ورزشگاه‌های ورزشی مشاهده می‌گردد و از نظر اجتماعی و قانونی نابهنجار تشخیص داده می‌شود و در صورتی که فردی مرتکب این اعمال گردد به‌عنوان مجرم شناخته‌شده و تحت تعقیب قانونی قرار خواهد گرفت مانند: کندن و برداشتن علائم راهنمایی، آرم اتومبیل‌ها، تابلوی اسامی محل‌ها، قطعات پارکومتر، تلفن عمومی و تجهیزات آن، شکستن شیشه، پرتاب سنگ به حباب‌های شیشه‌ای چراغ‌های پارک یا خیابان، خط کشیدن روی بدنه اتومبیل، کندن گل‌های پارک، آزار حیوانات و جانوران برخی تفریحگاه‌های عمومی، پنجره کردن اتومبیل‌ها در توقفگاه، شکستن آنتن، آئینه اتومبیل و موتورسیکلت‌ها، تخریب اتوبوس‌های واحد و وسایل نقلیه عمومی و...؛ عمل این افراد به منزله اقدام علیه امنیت کشور از طریق سلب

آرامش جامعه است (جعفری، ۱۳۸۳؛ فدایی، ۱۳۸۳؛ صابری، ۱۳۸۳؛ الستی، ۱۳۸۲؛ دلیری، ۱۳۸۴).

۱. علت رفتارهای خشونت‌آمیز: از نظر لوین مردم هنگامی که در یک هیجان جمعی ایجادشده توسط عده‌ای قرار می‌گیرند موقتاً قوای عقلی منطقی زندگی عادی خود را از دست داده و دچار تلقین‌پذیری جمعی می‌شوند در نتیجه تحت تأثیر رهبران متقاعدساز، غوغاانگیز و عوام‌فریب قرار می‌گیرند و اقدام به ارتکاب رفتارهای قهقراپی در سطح ابتدایی به تبعیت از ناراضیان می‌کنند (کریمی، ۱۳۸۰).

در واقع فرد در اثر تلقین‌پذیری از جمع به یک فرد طغیانگر تبدیل می‌شود و در صورت جدایی از جمع ممکن است فردی فرهیخته و خردورز باشد.

روان‌شناسان اجتماعی نیز بر این اصل تأکید دارند که آدم‌ها وقتی در جمع یک جماعت معترض قرار می‌گیرند فردیت خود را از دست داده و رفتارهای خشن و غیرقابل‌کنترلی از آن‌ها سر می‌زند. به تعبیر دقیق‌تر، هیجانات تلطیف‌نشده و خواسته‌های سرکوب‌شده افراد در جمع، فرصتی برای بروز و تجلی پیدا می‌کند. این خواسته‌های دارای ماهیت خشن و غیرانسانی، زمانی شدیدتر و بیشتر بروز می‌کنند که سبب تراکم جمعیت معترض، امکان گمنامی بیشتر باشد.

هارولد کلی^۱ در این زمینه بیان می‌کند: مراد از فردیت‌زدایی انکار ویژگی‌ها و برانگیختگی‌های درونی آدمیان نیست بلکه منظور از آن برداشتن ماسکی است که آدمیان ناگزیر و اغلب ناهشیارانه برای جلوه دادن خود و نمایش خردورزی، عقلایی، اجتماعی، غیرخشن و هیجانی بودن به چهره داشته و به نمایش می‌گذارند (الیاسی، ۱۳۸۱).

برابر یکی از تبیین‌های روان‌شناسی اجتماعی که اولین بار توسط نورمن تریپلت^۲ به نام تسهیل اجتماعی برای تبیین کنش‌های رقابت‌آمیز غیرپرخاشگرانه استفاده شد اما امروزه از آن برای تبیین کنش‌های اجتماعی اعتراض‌آمیز نیز استفاده می‌شود که در آن حضور دیگران موجب تشدید کنش‌های تک تک افراد می‌گردد.

به باور تیلور^۳ و دیگران، حضور در جمع و دیگران را ناظر و تماشاچی رفتار خود دیدن، هر یک از کنش‌گران را برای بروز کنش‌های جمعی شدیدتر بر می‌انگیزد. چنانچه این

1. Harold Kelly
2. Norman Triplett
3. Taylor

کنش‌ها به تحقق هدف منجر شوند که گروه معترض در پی کسب آن است، از آن پس استمرار می‌یابند. اما چنانچه با موانعی جدی روبه‌رو شوند و با تشدید رفتارهای سختگیر نتوانند بر آن موانع چیره گردند، چنان کنش‌هایی را استمرار نمی‌بخشند.

به باور آنتونی گیدنز، برای درک فعالیت‌های افراد در جماعت‌های معترض باید آن‌ها را به‌عنوان پاسخ منطقی به موقعیت‌های ویژه در نظر گرفت. گردآمدن جماعت‌ها اغلب فرصت دستیابی به هدف‌ها را با کم‌ترین هزینه شخصی فراهم می‌کنند. در موقعیت جماعت، افراد نسبتاً گمنام هستند و می‌توانند از عواقب افشای اعمالی که منجر به مجازات خواهد شد بگریزند. هنگامی که افراد به صورت جماعت عمل می‌کنند، موقتاً به مراتب قدرت بیشتری دارند تا زمانی که به‌عنوان شهروندان منفرد دست به عمل می‌زنند (الیاسی، ۱۳۸۱).

در مجموع اغلب پژوهشگران این گونه نتیجه می‌گیرند که وقتی در یک موقعیت نتوان هویت افراد را مشخص کرد، اعمال ضداجتماعی و غیراخلاقی آن‌ها افزایش می‌یابد و متغیر فردیت باختگی و هم‌رنگی از جهاتی با یکدیگر تداخل می‌یابند؛ در ابتدا در هر دو مورد ما ناظر اثر گروه بر فرد و در تحلیل عمیق‌تر، شاهد زمینه‌های نفوذپذیری در خود فرد هستیم؛ در مرحله بعدی در هر دو پدیده، فرد مرتکب اعمال و رفتاری می‌شود که گروه یا دیگران مرتکب می‌شوند؛ در نهایت در هر دو قسم از نفوذپذیری، هویت فردی شخص مخدوش می‌گردد؛ این دو مقوله از جهتی با یکدیگر متمایزند، در پیامدهای فردیت باختگی، بیشتر جنبه‌های تخریبی و آسیب‌رسانی به دیگران است که در کانون توجه قرار می‌گیرد، در حالی که در پدیده هم‌رنگی ابعاد هویتی و رشدی خود فرد است که دچار وقفه و آسیب می‌شود.

تذکر دو نکته روش‌شناختی در فهم پدیده فردیت باختگی و یا سایر مقوله‌های نفوذپذیری اهمیت اساسی دارد؛ اول اینکه، کنش‌های جمعی را فقط با پدیده فردیت باختگی و متغیرهای پیشایند آن نمی‌توان توجیه کرد؛ همان‌طور که همه اقسام هم‌رنگی را نمی‌توان فقط با تکیه بر یک و یا حتی چند عامل تبیین نمود؛ دشواری دیگر انتخاب واحد تحلیل است که «جمع» و «فرد در جمع» از جمله این واحدهاست. انتخاب هر کدام از این واحدها، در تحلیل پدیده‌ها ممکن است پژوهشگر را به مؤلفه و نتایج متفاوتی برساند، ولی به نظر می‌رسد آن‌ها الزاماً با یکدیگر ناسازگار نیستند بلکه بیشتر حاکی از آن است که یک واقعیت از چهره‌های متعدد و متفاوتی برخوردار است (بدار، ذریل و لامارش، ۱۳۸۰).

تئوری رفتار غریزی: این تئوری با نام زیگموند فرید و کنراد لورنز پیوند خورده است. به زعم فروید کلیه رویدادها و فعالیت‌های انسان از جمله: کنش‌ها، اندیشه‌ها، احساسات و آرمان‌ها تحت حاکمیت و تعیین نیروهای غریزی قدرتمند به‌ویژه نیروی جنسی و پرخاشگری قرار دارند. فروید انسان را موجودی اساساً مکانیکی در نظر می‌گیرد که قوانین طبیعی مشابه با سایر موجودات زنده بر رفتار او حاکم است.

به نظر فروید، رفتار انسان بر اساس قانون بقای انرژی و از طریق نوع منحصر به فردی از انرژی تحریک می‌شود. فروید با اذعان به وجود احتمالی غرایز بی‌شمار، دو دسته از غرایز را تحت عنوان غریزه بقا و مرگ به‌عنوان غرایز اصلی تشکیل‌دهنده طبیعت بشر در نظر می‌گیرد. غریزه بقا در بردارنده نیروهایی است که در جهت حفظ و بقای فرایندهای حیاتی عمل می‌کنند و ضامن تکثیر نوع بشر هستند. به نظر وی، انسان با یک غریزه مرگ نیز زاده می‌شود و این غریزه هنگامی که معطوف به درون باشد به صورت تنبیه و مواخذه خود ظاهر می‌گردد و در موارد افراطی منجر به خودکشی می‌شود. این غریزه هنگامی که متوجه بیرون از خود گردد به صورت خصومت، خشونت، آزار و اذیت، تخریب و قتل تجلی می‌یابد. غریزه بقا با قرار گرفتن در برابر غریزه مرگ خصلت خود ویرانگری را متوجه بیرون می‌کند. به نظر فروید، انرژی ویرانگر از طریق فعالیت‌های مجاز مانند: بازی‌ها و فعالیت‌های ورزشی تخلیه می‌شود، و یا اینکه از طریق پرخاشگری معطوف به دیگران می‌گردد. از دیدگاه فروید، خشم و پرخاشگری مولود و محصول موفقیت‌ها و شرایط نامطلوب و نامطبوع از قبیل دلتنگی، ورشکستگی، درد، حزن و اندوه و نظایر آن است. با این حال از بین همه موقعیت‌های ملال‌انگیز و نامطبوع، درماندگی، احساس اجحاف و ناکامی، عامل عمده‌ای در ایجاد پرخاشگری است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹، ص ۵).

تئوری زیست‌شناسی اجتماعی: زیست‌شناسان اجتماعی معتقدند به دلیل اینکه انسان در بستر طبیعی تکامل می‌یابد، تمایلات نیرومند معطوف به رفتار پرخاشجویانه وی در این بستر قابل شناخت است؛ بنابراین تمایلات مذکور بخشی از ماهیت وراثتی و زیستی وی به شمار می‌آیند.

تئوری یادگیری اجتماعی: از آنجا که تئوری ناکامی - پرخاشگری از سطح تحلیل روانی و فردی فراتر نرفته و در تبیین خشونت و پرخاشگری جمعی از قابلیت کاربردی مناسبی برخوردار نیست، تئوری یادگیری اجتماعی که رویکردی جامعه‌شناختی دارد توسط «آلبرت باندورا» ارائه گردید. بر اساس این تئوری پرخاشگری و رفتارهای وندالیستی^۱

1. - Vandal behavior

از طریق فرایند اجتماعی تولید و بازتولید آموخته می‌شود و به بیان دیگر رفتارهای پرخاشگرانه و وندالیستی از طریق یادگیری و تجربه شکل می‌گیرد و منظور از یادگیری آموختن رفتار دیگران از طریق مشاهده اعمال و رفتار آنان است (ستوده، ۱۳۷۸).

نظریه پالایش روانی: بر این اساس اگر انسان مجالی برای پرخاشگری نیابد، نیروی پرخاشجویانه انباشته شده و سرانجام به شکل خشونت مفرط یا بیماری روانی ظاهر می‌گردد. در این دیدگاه یک الگوی علت-معلولی نسبتاً ساده برای پرخاشگری ارائه می‌شود: تحریک سبب بر انگیختن پرخاشگری می‌گردد و این امر به نوبه خود کاهش پرخاشگری را در بر دارد. نتیجه نهایی این فرایند کاهش میزان پرخاشگری است (ارونسون، ۱۳۶۶).

۲. شیوه‌های کنترل رفتارهای تخریبی: در یک تقسیم‌بندی شیوه‌های کنترل به دو نوع اجباری و اقناعی تقسیم می‌شوند:

□ از طریق اجبار: که بر اساس آن افراد را با به کار بردن وسایل گوناگونی نظیر مجازات‌های حقوقی و تنبیه، وادار به پذیرش قواعد اجتماعی می‌نمایند (توسلی، ۱۳۸۷).

□ از طریق اقناع: که بر اساس آن افراد را با وسایل گوناگون اقناع چون: تبلیغ، پاداش، اعتبار، اعطای درجه، تمجید کردن، تشویق و قدردانی، وادار به پذیرش هنجارهای اجتماعی می‌کنند (بارون، ۲۰۰۶).

به اعتقاد نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، با ایجاد تغییر مناسب در موقعیت‌های محیطی و از بین بردن زمینه‌های به وجود آورنده رفتارهای وندالیستی و خشونت‌آمیز می‌توان رفتارهای تخریبی و پرخاشگرانه را کاهش داد (رحمتی، ۱۳۸۱).

شیوه کنترل‌های اجتماعی را می‌توان از نظر هدف‌هایی که بر جامعه دارند به انواع رسمی، غیررسمی، مثبت و منفی تقسیم نمود:

□ کنترل غیررسمی: کنترل غیررسمی شکلی از کنترل اجتماعی است که در عرصه رویارویی اجتماعی اعضای جامعه در خانواده، مدرسه، محل کار و... تحقق می‌یابد. افرادی که برخلاف هنجارهای سنتی و معیارهای خانوادگی و اجتماعی رفتار کنند، از سوی دیگران برای همنوایی با هنجارهای اجتماعی تحت فشار قرار می‌گیرند. افراد ناهمنا از جامعه طرد می‌شوند یا دیگران آنان را مسخره و استهزا می‌نمایند. گروه‌های همسالان و افراد دارای موقعیت مشابه و گروه‌های مرجع نقش مهمی در همنوایی افراد ایفا می‌کنند.

□ کنترل رسمی: کنترل رسمی مبتنی بر عنصر حقوقی و قانونی کنترل اجتماعی است. قوانینی وجود دارند که راهنمای اعضای جامعه‌اند و گروه‌هایی هستند که شغلشان اعمال

این قوانین و مقررات در جامعه می‌باشد، آن‌ها کجروان اجتماعی و مجرمان را دستگیر می‌کنند و برای مجازات به دادگاه‌ها می‌فرستند.

□ کنترل اجتماعی مثبت و منفی: تشویق و قدردانی از مکانیسم‌های مثبت بوده و برای هم‌نوا ساختن با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی لازم است. بر عکس تنبیه، توبیخ، تهدید، بی‌اعتنایی، ریشخند، جریمه و زندان از مکانیسم‌های منفی می‌باشد. این تدابیر به‌منظور انصراف افراد از رفتارها و گرایش‌های ضداجتماعی به‌کار گرفته می‌شوند. تباین میان کنترل اجتماعی مثبت و منفی امری انتزاعی است و هر دو مجموعاً در واقعیت هدفی را که تأمین هم‌نوایی اجتماعی است، تعقیب می‌کنند (ابهری، ۱۳۸۰).

□ کنترل اجتماعی محسوس و نامحسوس: در کنترل محسوس پلیس و نیروهایی که کنترل را به عهده دارند در پررنگ‌ترین شکل ممکن ظهور و بروز دارند تا صرف دیدن حضور آن‌ها مانع رفتار مجرمانه شود. فرانسوی‌ها چنین سیستمی دارند؛ خیابان‌ها بی‌شباهت با پادگان نظامی نیست. اما انگلیسی‌ها کنترل نامحسوس را ترجیح داده‌اند. در خیابان‌ها از پلیس خبری نیست در عوض روزانه هزاران دوربین از شما تصویربرداری می‌کنند. برای ایران چه نوع کنترلی جوابگوست؟ الان پلیس در بزرگراه‌ها، ماکت مقوایی الگانس را به نشانه حضور محسوسش می‌گذارد. آیا این بیشتر اثرگذار می‌باشد یا آن سیستم کنترل سرعت با عکس‌برداری، که نامحسوس است.

۱. وقتی کنترل محسوس پر رنگ شد: ناخودآگاه کنترل نامحسوس کم‌رنگ می‌شود؛ و مردم عادت می‌کنند محسوس کنترل شوند (نمونه روشن آن پیامدهای حضور یا عدم حضور پلیس راهنمایی سر چهارراه‌هاست)؛ ۲. ما امکان سازماندهی کنترل محسوس و دایمی را نداریم.... بنابراین، وقتی سیستم کنترل محسوس به هر دلیل حضور نداشته باشد جامعه به هرج و مرج کشیده می‌شود. پس باید روی کنترل نامحسوس سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی شود. نامحسوس بودن از این جهت مفید است که ایرانی‌ها کله‌شق‌اند و فکر می‌کنند که نباید به این راحتی زیر بار زور (قانون) بروند، کنترل نامحسوس، این غرور آن‌ها را تا حدی به رسمیت می‌شناسد و کمک می‌کند کنترل قانونی با شیوه‌های نظام اخلاقی - هنجاری شأن پیوند برقرار کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵).

□ عملیات روانی برای کنترل رفتار تماشاگران فوتبال: عملیات روانی نوعی یادگیری است چون کارشناسان عملیات روانی با ارائه اطلاعات و توسل به جاذبه‌های هیجانی در پی تغییر باورها، نگرش‌ها و نهایتاً تغییر رفتار مخاطبان آماج هستند یا به تعبیر دقیق‌تر

عملیات روانی، کنش‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ای است که به واسطه ارسال اطلاعات در پی تأثیر بر هیجانات، انگیزه‌ها و رفتار مخاطبان است، یعنی دقیقاً همان کاری که پی‌آمد و نتیجه یادگیری می‌باشد (الیاسی، ۱۳۸۱).

اصل یادگیری نهفته ادوارد تولمن نیز کاربرد ویژه‌ای در عملیات روانی دارد. تولمن در آزمایش با موش‌ها دریافت، وقتی که ارگانسیم‌ها در معرض اطلاعات و مواد یادگیری قرار گیرند آن را می‌آموزند، هر چند که ممکن است آن را تنها در شرایط مقتضی به عملکرد تبدیل کنند. از همین روی است که کارشناسان عملیات روانی قربانیان خود را در معرض بمباران اطلاعاتی قرار می‌دهند چون می‌دانند آماج‌های آنان بر اثر تکرار به کمک دریافت اطلاعات متجانس و هماهنگ از مجاری مختلف اطلاع رسانی آن را فرا می‌گیرند و در شرایط و موقعیت‌های مقتضی ناخودآگاه به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که مورد نظر مهاجمان عملیات روانی بوده است. از دیگر کاربردهای نظریه‌های یادگیری در عملیات روانی، استفاده از اصل تکرار می‌باشد. دیر زمانی است دانشمندان در علوم یادگیری کشف کرده‌اند که تکرار موجب درونی‌سازی پیام یا مواد آموختنی دیگر می‌شود و به‌ویژه زمانی اثر آن نیرومندتر است که تقویتی به دنبال داشته باشد (سبیلان اردستانی، ۱۳۸۳).

تبلیغات شرطی یکی از رایج‌ترین فنون تبلیغات است که ریشه در نظریه یادگیری شرطی کلاسیک دارد. بر اساس این روش که بی‌شبهت با اصل جای گشت تداعی ثرندایک نیست، پیام به یک محرک یا عامل نامربوط همراه و شرطی می‌شود و بدان وسیله در جامعه القا می‌گردد. مثلاً ممکن است کراوات و روشنفکری را که هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند با یکدیگر تداعی کنند و بعد از آن بیننده، همواره آدم کراوات زده را فردی تحصیل کرده و انتلکتوئل بداند؛ یا ممکن است مرد شدن و سیگار کشیدن نوجوانان را با یکدیگر همراه سازند به‌گونه‌ای که نوجوان چنین بپندارد که مرد شدن زمانی میسر است که با سیگار کشیدن همراه باشد.

متقاعدسازی یا ترغیب از مباحث اساسی عملیات روانی است؛ روان‌شناسان اجتماعی نیز بیش از هر گروه دیگر در این زمینه به تحقیق و مطالعه پرداخته‌اند. در میان روان‌شناسان اجتماعی نیز هاولند و همکارانش در دانشگاه ییل بیش از دیگران به این موضوع اهتمام ورزیده‌اند. آن‌ها طی بررسی‌های خود، موفق شدند مدلی ارائه دهند که امروزه کاربردی گسترده در تبلیغات و عملیات روانی دارد. بر اساس مدل هاولند و دیگران، در هر موقعیت متقاعدکنندگی، عناصر زیر نقش مهمی دارند:

۱. منبع ارائه کننده پیام یا عامل عملیات روانی؛
۲. پیام، محتوا و ویژگی‌های آن؛
۳. زمینه، بافت و سازمان پیام ترغیبی؛
۴. مخاطب، ویژگی‌ها، خواسته‌ها و نیازهای او.

تحقیقات نشان داده است که مقبول بودن منبع ارائه پیام، شرط ضروری مؤثر واقع شدن پیام است، مهم‌ترین عواملی که منبع پیام را مقبول می‌سازند عبارت است از: تخصص، جذابیت، قابل اعتماد بودن و شباهت داشتن به مخاطب.

بانیان و متولیان مدل متقاعدسازی هاوند بر این باورند که با رعایت پارامترهای مربوط به هر یک از عناصر چهارگانه متقاعدسازی می‌توان همه، یا اغلب افراد را متقاعد ساخت (الیاسی، ۱۳۸۳).

□ **شیوه‌های پلیسی:** در دنیای امروز اطلاع رسانی، آگاهی دادن و بالا بردن قدرت شناخت و تشخیص مردم از مهم‌ترین و اساسی‌ترین روش‌های دولت‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌ها برای رسیدن به اهداف مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

عدم آگاهی مردم از قوانین و مقررات می‌تواند زمینه فعالیت مجرمان و بزهکاران را بیشتر کند. هشدار دادن، متذکر شدن و یادآوری نمودن از جانب پلیس و پذیرش هشدارها و عمل کردن به راهکارهای پلیسی از جانب مردم هماهنگی دو جانبه پلیس و اجتماع را به وجود می‌آورد که از بهترین و مؤثرترین روش‌ها برای پیشگیری از وقوع جرایم است (میزرایبی مطلق، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱).

پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بی‌نظمی (بحران) و ایجاد آمادگی سازمانی یکی از مهم‌ترین وظایف مدیریت انتظامی می‌باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۲۰). یک مبنای مهم در پیش‌بینی، بسط‌دادن تحولات گذشته بر آینده با استفاده از برخی فرض‌های خاص برای تداوم یا تغییر روندها است (شناخت و بررسی شرط یا شروط وقوع پدیده یا واقعه و بر آوردی از عوامل تسهیل کننده بروز واقعه) (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵، ص ۲۵). فرایند پیش‌بینی وقوع، زمینه پیدایش و شکل‌گیری پیشگیری را که دارای ویژگی‌های کم‌هزینه بودن، تأثیرگذاری قوی و بازدارندگی است فراهم می‌نماید (صفر آبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۰).

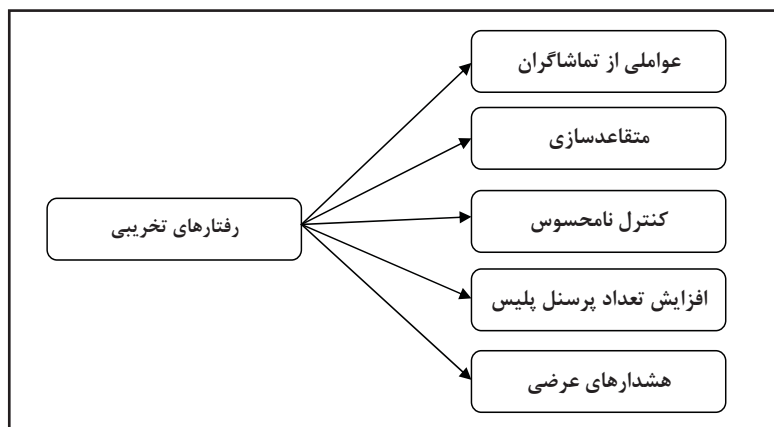
مدیریت پلیس در کشورهایی از قبیل: انگلستان، فرانسه و بعضی از کشورهای غربی در راستای مدیریت پیش‌بینی و پیشگیری، اقداماتی به شرح زیر به عمل می‌آورند:

۱. با هماهنگی تیم‌های ورزشی، گروه‌هایی از تماشاچیان را در یک کلوپ رسمی فوتبال - از بین تماشاچیان جوان - گردآورده، که این تماشاچیان، تشویق کنندگانی هستند که یکشنبه‌ها، با بلیتی که به قیمت ویژه و به واسطه عضویت در کلوپ به آن‌ها از سوی تیم‌ها داده می‌شود در اماکنی گرد آمده و به نوعی با نوع تشویق کردن‌ها، تخلیه‌های هیجانی تماشاگران و برپایی شادی سعی در ایجاد کانون‌هایی دارند که بتواند با استفاده از رفتار جمعی جلوی واکنش‌های منفی را بگیرد و در واقع این افراد که از بین خود تماشاچیان برگزیده شده‌اند سعی در هدایت تماشاچیان به نحو مطلوب را دارند؛
 ۲. استفاده‌های تبلیغاتی و صحیح و واگذاری بعضی از مسئولیت‌ها به باشگاه‌ها در زمینه هدایت و کنترل تماشاچیان با استفاده از وابستگی‌های تیمی طرفداران از قبیل پوشاک تبلیغی یک‌رنگ و...؛
 ۳. استفاده صحیح از رسانه‌ها برای تبلیغ در جلوگیری از اوباشگری و نشان دادن چهره زشت افراد اوباشگر و به نوعی مقابله با آن‌ها و همکاری با پلیس؛
 ۴. عبرت‌آموزی از حوادث قبلی با تهیه گزارش‌هایی که در زمینه چگونگی واقعه تهیه می‌شود. به این صورت که بعد از هر واقعه اسفبار فوتبال، یک مقام پژوهشی انتخاب می‌گردد و آموزش می‌بیند که بلافاصله درباره علل فاجعه تحقیق کند و توصیه‌هایی را برای مقابله آینده ارائه نماید؛
 ۵. استفاده از نیروهای مخفی برای ورود به جمع اوباشگران و شناسایی سردمداران آن‌ها و در واقع نوعی از مدیریت برای کشاندن اوباشان به مسیر دلخواه؛
 ۶. استفاده از تجهیزات الکترونیکی از قبیل: دوربین‌های مدار بسته و به کارگیری رایانه برای شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات افراد و کنترل آن‌ها؛
 ۷. استفاده از خبرنامه‌های ضد جرم پلیس و مردم: مطالعات به عمل آمده در زمینه خبرنامه‌های پلیس و مردم نشان داد این خبرنامه‌ها تأثیر به‌سزایی دارند، به خصوص اگر شامل اطلاعات آماری باشند. موفقیت طرح‌های پیشگیری از جرم بیش از همه به فعالیت‌های مشترک پلیس و تماشاچیان و همچنین ارتقای تعامل بین آنان بستگی دارد. (میلر و هس، ۱۳۸۳).
- به‌طور کلی مدل‌های پیشگیری از جرم به دو دسته کلی کیفری و غیر کیفری تقسیم شده‌اند: الف) پیشگیری کیفری از این جهت که دارای معایب بسیاری است و بر جسم و روان مجرمان تأثیرگذار است و زندگی آینده آنان را در جامعه با مشکلات جدی مواجه می‌کند،

باید به عنوان آخرین چاره و حربه علیه بزهکاری استفاده شود؛ ب) در پیشگیری غیرکیفری (که مورد نظر است) از بین بردن علل و عوامل بزهکاری از طریق توجه به مسئله کنترل اجتماعی و تأثیر بر افکار مجرمانه مد نظر است و سعی می‌شود انسان‌ها فکر مجرمانه را به ذهن خود راه ندهند (بیات، شرافتی پور و عبدی، ۱۳۸۷، ص ۵۶).

مدل تحلیلی: بر اساس ادبیات تحقیق و استفاده از نظریات انتخاب عقلایی و مدل کلارک و متغیرهای مؤثر در «پیشگیری از کنش‌های جمعی تخریبی» تحقیقی که با مدل تحلیلی زیر ارائه می‌گردید.

نمودار ۱. مدل مفهومی مدیریت پیشگیری از کنش‌های تخریبی تماشاگران فوتبال



تعاریف عملیاتی:

□ مدیریت: منظور از مدیریت در این تحقیق، مدیریت‌های انتظامی و فرماندهانی است که در محدوده ورزشگاه‌ها مسئولیت برقراری حفظ نظم و پیشگیری از اقدام به تخریب اموال عمومی و کشف آن را در صورت وقوع، توسط افراد تماشاگر نما بر عهده دارند.

□ پیشگیری: کلیه اقداماتی که مدیریت‌های انتظامی برای جلوگیری از وقوع اقدامات تخریبی توسط افراد تماشاگر نما به اجرا در می‌آورند.

□ کنش‌های تخریبی: سلسله رفتارهایی هستند که توسط عده‌ای از تماشاگر نماهای مسابقات فوتبال پس از پایان بازی در قسمت خارجی محدوده ورزشگاه‌ها مشاهده می‌گردد و از نظر اجتماعی و قانونی نابهنجار تشخیص داده شده‌اند و در صورتی که فردی مرتکب این اعمال

گردد به عنوان مجرم شناخته شده و تحت تعقیب قانونی قرار خواهد گرفت. (تخریب ارادی اموال عمومی به عنوان ملاک اقدامات تخریبی منظور تحقیق می باشد).

□ کنترل اجتماعی: به مجموع عوامل محسوس و نامحسوسی که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می برد گفته می شود.

□ متقاعدسازی: شرایطی برای افراد حاضر در ورزشگاه ایجاد شود و آنان طوری رفتار نمایند که اصطلاحاً به آن غفلت جمعی می گویند به طوری که تحت تأثیر دیگران قرار نگرفته و به پیام‌هایی که ناجا در محل ارسال می کند پاسخ مثبت می دهند.

□ عملیات روانی: نوعی یادگیری است که کارشناسان عملیات روانی با ارائه اطلاعات و توسل به جاذبه‌های هیجانی در پی تغییر باورها، نگرش‌ها و نهایتاً تغییر رفتار در مخاطبان آماج هستند.

□ عوامل: بهره‌گیری پلیس از عوامل (از میان خود تماشاچیان) در مکان‌های مختلف مربوط به مسابقه فوتبال، جهت کنترل رفتار تماشاچیان و بازداشتن آن‌ها از رفتارهای تخریبی می باشد.

□ اقناع: کوشش آگاهانه یک فرد یا سازمان، برای تغییر نگرش، باور، ارزش‌ها یا دیدگاه‌های فرد یا گروهی دیگر را اقناع می گویند (گیل و ادفر، ۱۳۸۴، ص ۵۱). اقناع فرایندی است که با توسل به تعقل و احساس در قالب مهارت‌های کلامی و غیرکلامی و رسانه‌ای، ذهنیت افراد را غالباً جهت تغییر رفتار و ادار کردن آن‌ها به عمل معینی، تحت تأثیر قرار می دهد. این فرایند هر چند در بردارنده ویژگی روان‌شناختی آزادی است و ترغیب‌شونده احساس می کند، موافق میل خود، اهداف و رهنمودهای تعیین شده را انجام می دهد اما در واقع متضمن نوعی از فشار روانی است که در مسیر ترغیب، میان منطق و استدلال منطقی به هیجان‌ها متوسل می شود. در واقع، اقناع حد واسط میان منطق، استدلال، تهدید و تنبیه به شمار می رود (بینگر، ۱۳۶۷، ص ۱۰).

روش

در این پژوهش از روش تحقیق «پیمایشی» (زمینه‌یابی) استفاده شده است. برای این منظور ابتدا مدیران و فرماندهان آگاه و آشنا به موضوع تحقیق (رفتارهای تخریبی تماشاگران فوتبال و روش‌های پیشگیری از وقوع آن رفتارها) در ستاد ناجا، تهران بزرگ و یگان ویژه شناسایی شدند. آنگاه از میان آن‌ها به صورت تصادفی نمونه‌ای به حجم ۱۲۶ نفر انتخاب

گردید. برای تعیین حجم نمونه نیز از فرمول ساده نمونه‌گیری و روش کوکران استفاده شد. این افراد از یک سو حداقل ۱۵ سال سابقه مدیریتی (به‌ویژه در قلمرو رفتارهای اجتماعی و پدیده‌های امنیتی) و ۲۲ سال سابقه خدمتی داشتند و از سویی دیگر، تمامی آن‌ها تحصیلات دانشگاهی (به‌ویژه کارشناسی ارشد) را طی نموده و افزون بر آن، برای تکمیل پرسشنامه تحقیق از آمادگی و انگیزش کافی برخوردار بودند.

برای سنجش نظرهای پاسخ‌دهندگان از یک مقیاس ۲۶ گوی‌های (به علاوه ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان) استفاده شد. این مقیاس براساس مبانی نظری پژوهش و نیز با زمینه یابی و مصاحبه با چند تن از اساتید روش‌شناسی، جامعه‌شناسی و عملیات روانی تهیه گردید. مقیاس اولیه بر روی نمونه کوچکی به حجم ۳۲ نفر اجرا گردید و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد ($\alpha = 0/87$). ابعاد و مؤلفه‌های پرسش‌نامه در جدول ۱، نشان داده شده است.

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های پرسشنامه

مؤلفه‌ها	ابعاد
تأثیر استفاده از دوربین مداربسته، قراردادن پلیس لباس شخصی در بین تماشاگران سوار بر وسایط نقلیه و استفاده از پلیس لباس شخصی در بین تماشاگران	کنترل نامحسوس
تأثیر روش‌هایی نظیر تشجیع، ایجاد رعب و وحشت، تخدیر، کانون خبری و...	عملیات روانی
تأثیر استفاده از فنون مجاب‌سازی، روش‌های رسانه‌ای، آگاهی‌دادن و روشنگری	اقتناع
استفاده از حضور فیزیکی محسوس و پر شمار پلیس در میان تماشاچیان	حضور فیزیکی پلیس
تأثیر بهره‌گیری پلیس از عوامل (از میان خود تماشاچیان) در مکان‌های مختلف مربوط به مسابقه فوتبال، جهت کنترل رفتار تماشاچیان و بازداشتن آن‌ها از رفتارهای تخریبی	استفاده از عوامل

افزون بر محاسبه پایایی کل مقیاس اندازه‌گیری، پایایی هر یک از ۵ خرده مقیاس نیز محاسبه گردید که نتیجه حاصل در جدول ۲ درج شده است.

جدول ۲. پایایی خرده مقیاس‌ها و کل مقیاس

پایایی	تعداد مورد	خرده مقیاس
۰/۳۸	۵	کنترل نامحسوس
۰/۴۸	۶	عملیات روانی
۰/۲۸	۶	اقتناع
۰/۳۸	۴	حضور فیزیکی
۰/۶۸	۵	استفاده از عوامل
۰/۷۸	۶۲	کل

همان‌گونه که ضرایب مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد هر پنج خرده مقیاس مورد استفاده از پایایی بسنده و بالایی برخوردارند؛ بنابراین داده‌های حاصل از هر خرده مقیاس را می‌توان دقیق و قابل تعمیم تلقی نمود.

یافته‌ها

یافته‌های تحقیق در چهار سطح بررسی شدند:

الف) ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان: پاسخ‌دهندگان این تحقیق همگی از میان مدیران مرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند. برخی از ویژگی‌های جمعیت شناختی آنان در پی می‌آید:

۱. درجه پاسخ‌دهندگان: فراوانی و درصد پاسخ‌دهندگان به تفکیک درجه در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. فراوانی و درصد پاسخ‌دهندگان به تفکیک درجه.

درجه	فراوانی	درصد (%)	درصد تراکمی (%)
فرمانده عالی (سردار، امیر)	۳	۳/۲	۳/۲
افسر ارشد	۶۲	۶۶	۶۹/۲
افسر میانی	۲۹	۳۰/۸	۱۰۰
جمع	۹۴	۱۰۰	-

همان‌گونه که اطلاعات مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد تقریباً حدود دو سوم پاسخ‌دهندگان را افسران ارشد تشکیل داده‌اند.

۲. تحصیلات پاسخ‌دهندگان: فراوانی و درصد پاسخ‌دهندگان به تفکیک تحصیلات در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. فراوانی و درصد پاسخ‌دهندگان به تفکیک تحصیلات

درجه	فراوانی	درصد (%)	درصد تراکمی (%)
کارشناسی	۳۲	۴۴/۷	۴۴/۷
کارشناسی ارشد	۷۴	۰۵	۴۹/۷
دکتر	۵	۵/۳	۱۰۰
جمع	۹۴	۱۰۰	-

داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که فراوانی و درصد افراد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بیشتر از هر یک از هر دو گروه دیگر است.
 ۳. سابقه خدمت: فراوانی و درصد پاسخ‌دهندگان به تفکیک سابقه در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. فراوانی و درصد پاسخ‌دهندگان به تفکیک سابقه خدمت پاسخ‌دهندگان

سابقه (سال)	فراوانی	درصد (%)	درصد تراکمی (%)
۱۵-۲۰	۱۷	۸۱	۸۱
۲۱-۲۵	۳۱	۳۳	۵۱
۲۶-۳۰	۳۸	۴۰	۹۱
بیش از ۳۰ سال	۸	۹	۱۰۰
جمع	۹۴	۱۰۰	-

همان‌گونه که داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد اغلب پاسخ‌دهندگان سابقه خدمتی بیش از ۲۰ سال داشته‌اند؛ میانگین سابقه خدمتی آن‌ها نیز ۲۳٫۸ سال است.
 ب) میانگین اثر بخشی هر یک از پنج روش پیشگیری: برای ارائه تصویری کلی از میزان اثر بخشی هر یک از پنج روش مورد آزمون، میانگین و انحراف معیار نظر پاسخ‌دهندگان در کل مواد هر مؤلفه بر اساس تراز ۱۰۰ محاسبه و در جدول ۶ درج گردید.

جدول ۶. میانگین و انحراف معیار اثر بخشی روش‌های مختلف پیشگیری از وقوع کنش‌های تخریبی

نام روش	تعداد پاسخ دهنده	میانگین	انحراف معیار
کنترل نامحسوس	۹۳	۸۳	۱۸
عملیات روانی	۹۲	۹۵	۱۶
اقتناع	۹۴	۸۱	۱۹
حضور فیزیکی پلیس	۹۳	۷۲	۲۱
استفاده از عوامل	۹۳	۶۹	۱۷

اطلاعات درج‌شده در جدول ۶ نشان می‌دهد که بالاترین میانگین (۹۵) و کم‌ترین انحراف معیار (۱۶) مربوط به عملیات روانی است. این بدان معنا است که از نظر پاسخ‌دهندگان مؤثرترین روش پیشگیری از وقوع کنش‌های تخریبی تماشاگران فوتبال استفاده از فنون و عملیات روانی می‌باشد. کم‌ترین میانگین (۶۹) نیز مربوط به مؤلفه

استفاده از عوامل است. یعنی از نظر پاسخ‌دهندگان استفاده از عوامل کم‌ترین میزان تأثیر را در کنترل رفتارهای تخریبی دارد. (ج) آزمون فرضیات: برای آزمون فرضیات تحقیق از آزمون دوجمله‌ای استفاده شد. نتایج حاصل در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. نتیجه حاصل از آزمون فرضیات با استفاده از آزمون دوجمله‌ای

شماره فرضیه	مفهوم فرضیه	تعداد	احتمال مشاهده شده (%)	میزان آزمون	سطح معناداری
۱	تأثیر عملیات روانی در پیش‌گیری از رفتارهای تخریبی	۹۴	۵۰	?	۰/۰۰۱
۲	تأثیر کنترل نامحسوس در پیشگیری از رفتارهای تخریبی	۹۳	۵۰	۸۰/۹۹	۰/۰۰۱
۳	تأثیر اقناع در پیشگیری از رفتارهای تخریبی	۹۲	۵۰	۶۰/۹۵	۰/۰۰۱
۴	تأثیر حضور فیزیکی پلیس در پیشگیری از رفتارهای تخریبی	۹۴	۵۰	۶۰/۸۵	۰/۰۰۵
۵	تأثیر استفاده از عوامل در پیشگیری از رفتارهای تخریبی	۹۳	۵۰	۶۰/۸۴	۰/۰۰۵

داده‌های درج‌شده در جدول ۷ بیانگر تأیید هر پنج فرضیه تحقیق است. یعنی از نظر مدیران و فرماندهان هر پنج روش آزمون تأثیر معناداری در پیشگیری از وقوع کنش‌های تخریبی تماشاگران فوتبال دارند. البته همان‌گونه که سطح معناداری نشان می‌دهد تأثیر دو روش اول در سطح خطای $p < 0/001$ است.

بحث و نتیجه‌گیری

در چند دهه اخیر کنش‌های تخریبی شهروندان، به‌ویژه در زمین‌های ورزشی از جمله در قلمرو فوتبال، نه تنها پلیس و سازمان‌های امنیتی را با چالش‌های انکارناپذیر و تأمل‌برانگیزی روبه‌رو ساخته است، بلکه دولت‌های مختلف را با دشواری‌هایی رویارو نموده که شهروندان جامعه «ناتوانی» در مدیریت این گونه کنش‌ها را به حساب «ناکارآمدی» می‌گذارند و آن را در واکنش‌های اجتماعی، سیاسی و مدنی و به‌ویژه در رفتارهای انتخاباتی خود، نمایان می‌سازند. به همین سبب، در سالیان اخیر مراکز امنیتی، اجتماعی، سیاسی و سازمان

پلیس، در کشورهای مختلف دنیا در پی شناسایی دقیق ماهیت رفتارهای تخریبی در میدان‌های ورزشی و دستیابی به راهکارها و راهبردهای «مداخله مؤثر» در آن بر آمده‌اند. حاصل مطالعه و بررسی چند ساله «شکل‌گیری خط پژوهشی نوینی» می‌باشد که ابعاد مختلف این پدیده نوظهور را نمایان ساخته است.

در ایران نیز، همانند کشورهای دیگر دنیا، در دو دهه اخیر کنش‌هایی از سوی حاضران در میدان‌های ورزشی، به‌ویژه تماشاگران مسابقات فوتبال سرزده که از آن می‌توان تحت عنوان «رفتارهای تخریبی» و «کنش‌های جمعی آشوبگرانه» یاد کرد. این گونه کنش‌ها از یک سو تراز و سطح امنیت اجتماعی را تقلیل می‌دهد و از دیگر سو پلیس و سازمان‌های دیگر را با چالش‌های امنیتی روبه‌رو می‌سازد. به همین سبب، پژوهشگران با به سامان رساندن یک پژوهش علمی و دانشگاهی در صدد شناسایی روش‌های مداخله مؤثر در این پدیده، به‌ویژه پیش از وقوع آن برآمدند. برای انجام این منظور آنان با انجام یک «پیمایش مقطعی» (زمینه یابی) از نمونه‌ای صرف از مدیران و فرماندهان پلیس، که به صورت مستقیم و غیرمستقیم متولی مدیریت رفتارهای جمعی شهروندان حاضر در میدان‌های ورزشی هستند، به شناسایی روش‌های مؤثر در پیشگیری از وقوع کنش‌های تخریبی در زمین‌های فوتبال پرداختند. در این پژوهش با استفاده از یک مقیاس اندازه‌گیری پایا و معتبر نظر فرماندهان و مدیران پلیس پیرامون پنج شیوه معمول «مدیریت و پیشگیری رفتارهای جمعی آشوبگرانه» بررسی گردید.

داده‌های حاصل از پژوهش آشکار ساخت که:

از هر پنج شیوه مرسوم مدیریت رفتارهای جمعی (یعنی استفاده از: ۱- عملیات روانی ۲- کنترل نامحسوس ۳- روش‌های اقناع و مجاب‌سازی ۴- عوامل ۵- پلیس پرشمار محسوس) می‌توان برای جلوگیری از وقوع کنش‌های جمعی آشوبگرانه تماشاگران فوتبال استفاده نمود؛ چرا که تماشاگران فوتبال طیف نامتجانسی از شهر وندان را به خود اختصاص می‌دهند و ناچاراً برای تأثیر نهادن بر هر گروه از آنان باید از سازوکارهای معینی بهره گرفت. به عبارت دیگر، تماشاگران فوتبال را به سبب سنی، شغلی، تحصیلی، قومی و نظایر آن نمی‌توان در یک «گروه غالب» و «کاملاً متجانس» جای داد. پیداست که اذهان و رفتار افراد نامتجانس را نیز نمی‌توان تنها با یک روش خاص دست‌کاری کرد و آنان را از یک کنش اجتماعی منع نمود.

گرچه مدیران و فرماندهان پلیس بر این باورند که برای مدیریت رفتار کنش‌گران

میدان‌های ورزشی، به‌ویژه تماشاگران فوتبال، باید از دامنه وسیعی از روش‌ها و فنون روانی، اجتماعی، رسانه‌ای و پلیسی استفاده کرد، اما تحلیل نظر آنان آشکار ساخت که از بین پنج روش کلان مدیریت پیشگیری، دامنه اثر بخشی روش‌های عملیات روانی، کنترل نامحسوس و اقناع بیش از سایر روش‌ها است. این یافته با یافته پژوهشگرانی که در ادبیات تحقیق از آن‌ها سخن به میان آمد، همخوانی دارد. از همین روی در تبیین این یافته می‌توان واقعیتی را یادآور شد که برخی از تماشاگرانی که دست به کنش‌های تخریبی می‌زنند افرادی «هیجانی»، «تکانشی» و «زود باور» هستند. این گونه افراد چنانچه پیش از دست زدن به کنش‌های اعتراض آمیز در معرض عملیات روانی «بازدارنده» و نه «تحریکی و اغواگرانه» قرار گیرند، رفتارهای تخریبی خود را بازدارند خواهند نمود. ناگفته آشکار است که پیام‌های عملیات روانی تهیه‌شده برای این گونه افراد باید ساده، صریح، هیجانی و حتی ترس‌برانگیز باشد. اما در بین تماشاگران فوتبال کسانی نیز پیدا می‌شوند که از تراز فرهیختگی، دانایی و خردمندی مطلوبی برخوردارند. این گونه افراد نیز در برابر پیام‌های اقناعی مستدل، روشنگرانه، غیرفریب‌آمیز، به‌ویژه زمانی که از سوی افراد معقول و معتبر انتشار یابند، اثرپذیرند. بنابراین، این گروه را نیز می‌توان با روشنگری و اقناع مجاب ساخت که از انجام کنش‌های تخریبی اجتناب نمایند.

سر انجام، کنترل نامحسوس نیز اثر معناداری بر کنش‌های تماشاگران دارد. چه کنترل نامحسوس موجب «انتشار ترس»، «مجاب‌سازی از درون» و «خودتنظیمی» می‌شود. نیازی به حجت نیست که فرایند کنترل نامحسوس باید از هنگام عزیمت تماشاگران به سوی ورزشگاه آغاز شود و تا بازگشت آنان به منازل خود استمرار یابد. پیشنهادها: بر اساس یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌شود که:

۱. در فرماندهی انتظامی همه استان‌های کشور یک کمیته عملیات روانی تشکیل شود تا با تهیه فرآورده‌های مختلف عملیات روانی (اطلاعیه، پیامک، اعلامیه، تصویر و ...) و انتشار به موقع آن‌ها، مانع از دست زدن تماشاگران فوتبال به کنش‌های تخریبی شوند. یادآور می‌شود که در انجام عملیات روانی باید اصول «سرعت»، «کنش‌گرایی»، «تناسب»، «تکرار» و «هماهنگی» مطمح نظر قرار گیرند. در غیر این صورت ممکن است فرآورده‌های عملیات روانی به ابزاری جهت تحریک تماشاگران تبدیل شوند؛
۲. با مطالعه دقیق روش‌ها، ابزارها و فنون متقاعدسازی، براساس آن‌ها فرآورده‌هایی جهت اثرگذاری بر تماشاگران فوتبال، پیش از حضور آنان در ورزشگاه، تهیه شود.

ضروری است در هر شهرستان برای افزایش دامنه اثر بخشی روش‌های مجاب‌سازی و روشنگری، از رسانه مناسب، اشخاص مقبول و زمینه‌های جذاب استفاده کند؛
 ۳. در هر استان تعدادی از افراد شناخته نشده پلیس که از نظر سنی و قیافه شبیه تماشاگران فوتبال هستند، جهت کنترل نامحسوس آموزش داده شوند. این افراد باید با حضور در بین تماشاچیان به صورت غیرمستقیم رفتارهای آنان را کنترل نمایند و مانع از روی آوردن آن‌ها به کنش‌های تخریبی شوند. افزون بر آن، ضروری است از سایر سازوکارهای کنترل نامحسوس (نظیر دوربین‌های مداربسته و...) برای رفتار تماشاگران استفاده شود.

منابع

منابع فارسی:

- ابه‌ری، مجید (۱۳۸۰). *علل و عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آن*. تهران: نشر پشتون.
- ارونسون، الیوت (۱۳۶۶). *روان‌شناسی اجتماعی* (حسین شکرشکن، مترجم). تهران: رشد.
- سیلان اردستانی، حسن (۱۳۸۲). رسانه‌ها و رفتار جمعی. *فصلنامه عملیات روانی*، شماره ۹، ص ۷۰.
- الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۳). *عملیات روانی* (جزوه درسی). تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) ناجا، دلنشگاه علوم انتظامی.
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۱). *مقاع‌سازی در تئوری و عمل*. *فصلنامه عملیات روانی*، شماره ۶، ص ۵۲.
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۱). نظریه‌های تحلیل روان‌شناختی رفتارهای جمعی اعتراض آمیز. *فصلنامه دانش انتظامی*، ۴ (۳-۲)، ۶۴-۸۱.
- بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر؛ عبدی، نرگس (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور (پیشگیری اجتماعی از جرم)*. تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اجتماعی، اداره کل مطالعات اجتماعی.
- بینگلر، اتولر (۱۳۷۶). *ارتباطات اقناعی* (علی رستمی، مترجم). تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌های (نشر اثر اصلی)
- جمعی از نویسندگان (تهیه و تنظیم) (۱۳۸۵). *مدیریت بحران با رویکرد امنیت عمومی* (ج ۱). تهران: معاونت آموزش ناجا.
- رحمتی، مهدی (۱۳۸۱). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر در خشونت و پرخاشگری در ورزش فوتبال*. (پایان نامه دکترا). دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، تهران.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۸). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: رشد.
- صفرآبادی، ایمان (۱۳۸۸). *جاسوسی و ضدجاسوسی*. تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت آموزش ناجا، اداره کل منابع و متون درسی.
- عنبری، موسی (۱۳۸۱). *بررسی علل خشونت‌گرایی از سوی بعضی از تماشاگران فوتبال* (ج ۱ و ۲ و ۳). تهران: معاونت اجتماعی ناجا.

کریمی، یوسف (۱۳۸۰). *روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)* (ویرایش ۳). تهران: ارسباران.

بدار، لوک؛ دزیل، ژوزه؛ لامارش، لوک (۱۳۸۰). *روان‌شناسی اجتماعی* (ترجمه حمزه گنجی). تهران: ساوالان. نشر اثر اصلی).

گیل، دیوید؛ ادفر، بریجت (۱۳۸۴). *القبای/ارتباطات* (رامین کریمیان، مهرا مهران، محمد نبوی، مترجمان). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). *وندالیسم: مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کثر رفتاری اجتماعی*. تهران: آن.

میلر، لیندا اس.؛ هس، کارن ام. (۱۳۸۳). *پلیس در جامعه* (عباس فرد قاسمی، مترجم) (ج ۲). تهران: معاونت آموزش ناجا.

میرزایی مطلق، عبادالله (۱۳۸۱). *نقش پلیس در کاهش و افزایش جرم در استان لرستان*. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نراق.